

تحلیل زیباشناختی رویکرد نشانه-معناشناسی ماتریس معنایی و هیپوگرام در لایه‌های پنهان معنای شعر بر پایه الگوی مایکل ریفاتر

چکیده

خوانش شعر از منظر نشانه-معناشناسی و با بهره‌گیری از مفاهیم زیباشناختی هنر شعری، در روشن کردن لایه‌های پنهان و معنای نامکشوف شعر به خواننده کمک می‌کند. گاه معنا در شعر، دنیایی ناشناخته است و هسته معنا، ماتریسی ساختاری در شعر پدید می‌آورد و معنای شعر از تعامل خواننده، الگوی دریافت معنا و فرایند خواندن شعر، ساخته می‌شود. ماتریس ممکن است یک واژه خاص باشد و یا یک جمله را دربر گیرد و هر شعر با چند روایت خاص به صورت تداعی‌های قراردادی با ماتریس خود در پیوند باشد که به این روایت‌ها، هیپوگرام می‌گویند؛ هیپوگرام‌ها وظیفه وحدت بخشی به شعر را برعهده دارند. در این پژوهش با نگاهی زیباشناختی به تحلیل نشانه-معناشناسی شعر «جاده آن سوی پل» احمد شاملو بر پایه الگوی نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر می‌پردازیم؛ سه منظومه اصلی این شعر یعنی «شاعر»، «ده» و «بی‌حرکتی و ایستایی جامعه» سبب روشن شدن معنا می‌شود و دیگر عناصر شعری، معنای «مرا دیگر انگیزه سفر نیست» را تبیین می‌کند. شاعر در این شعر، در جامعه گرفتار شده است و برای رهایی از این جامعه همه جوانب را می‌سنجد اما در میانه راه احساس می‌کند تمامی اشیاء و اطرافش را، ایستایی و سکون فرا گرفته است؛ شاعر چاره‌ای برای رهایی از این سکون نمی‌یابد و او را به معبد تنهایی خود فرامی‌خواند. یکی از دستاوردهای این پژوهش این است که مایکل ریفاتر از رویکرد نشانه‌شناسی به کشف لایه‌های پنهان متن می‌پردازد و از این رو، رویکرد او را می‌توان در چارچوب نشانه-معناشناسی جای داد. به طور کلی می‌توان بیان کرد که عناصر به کار رفته در این شعر سبب پیدایش سه منظومه حضور دارند و در مجموعه نخست، شش ترکیب، در مجموعه دوم، ده ترکیب و در مجموعه سوم، ۹ ترکیب به ترتیب هسته را تشریح و همین امر، راهی درست برای رسیدن به درک عمیق و دریافت پیام و رمزگان نهفته در شعر ایجاد کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی زیباشناسی ساختاری معنا در شعر.
۲. حل معمای معنا در شعر شاملو.

سؤالات پژوهش:

۱. با توجه به الگوی مایکل ریفاتر، چگونه می‌توان به تحلیل زیباشناختی و نشانه‌شناختی شعر احمد شاملو پرداخت؟
۲. رویکرد نشانه-معناشناسی مایکل ریفاتر، چه کاربردی در کشف لایه‌های پنهان شعر معاصر دارد؟

کلیدواژه‌ها: تحلیل زیباشناسی، نشانه‌شناسی، ماتریس معنایی، هیپوگرام، جاده آن سوی پل، مایکل ریفاتر.

مقدمه

کوشش برای یافتن معنای شعر، موضوعی بوده که همواره ذهن مخاطب را به خود کشانده است. از گذشته تا به امروز نظرات مختلفی برای حل معمای معنا در شعر ارائه شده است؛ مانند کاری که مانتیگیو^۱ ارائه کرد، که هر یک به شیوه‌ای خاص، سبب روشن کردن معنا شده‌اند، اما تلاش ما این است تا از زاویه‌ای دیگر به بازگو کردن زاویه‌های پنهان در شعر بپردازیم؛ هرچند سایر رویکردها نیز در این خوانش بی‌تأثیر نبوده‌اند. در این میان، نشانه‌شناسی در مقایسه با دیگر رویکردها، خوانشی نظام‌مندتر و منسجم‌تر می‌نماید که با چارچوبی دقیق و علمی، در پی روشن‌تر شدن معنا بوده است و مایکل ریفاتر (۲۰۰۶-۱۹۲۴) در کتاب نشانه‌شناسی شعر *Semiotics of poetry*، چارچوبی دقیق و مشخص برای شعر پیشنهاد می‌کند. پژوهش حاضر بر آن است به خوانش شعر «جاده آن سوی پل» از احمد شاملو بر پایه الگوی نشانه‌شناختی بینامتنی مایکل ریفاتر بپردازد تا ضمن معرفی الگوی مایکل ریفاتر با ارائه یک خوانش نظام‌مند از متن، ما را در تبیین نشانه‌های به‌کار رفته در شعر یاری دهد و در نهایت سبب شناخت بهتر شعر گردد و از آنجایی که الگویی که ریفاتر به‌دست می‌دهد ما را به دریافت لایه‌های پنهان متن ادبی می‌کشاند باید الگوی او را در چارچوب الگوی نشانه-معناشناسی جای داد و نه صرفاً نشانه‌شناسی. زیبایی به‌عنوان اولین نمود هنر نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده تا علاوه بر معنایی به زیبایی‌شناختی معنایی نیز توجه شود. علت انتخاب این شعر نیز به‌عنوان نمونه از میانه دفتر شعری شاملو بوده تا بتوان به‌نوعی گذشته و آینده ساخت معنای شعر شاملو را تا اندازه‌ای ترسیم نمود.

رویکرد ریفاتر یک رویکرد جهانی است و شعر احمد شاملو نیز با همین فرض قابل بررسی براساس این رویکرد می‌باشد و با تکیه بر عناصر موجود این امر شدنی است. درخصوص کشف معنابن‌ها نیز در شعر شاملو علاوه بر آن که زمان سرایش شعر قابل توجه است، باید به انسجام واژگانی و خلق ترکیب‌های نوین نیز توجه نمود که این امر برابر است با مفاهیمی که در هر شعر برای خواننده می‌تواند متفاوت باشد. دریافت ماتریس‌ها در شعر شاملو نیز به دقت بیشتری نیازمند است و این امر را می‌توان نتیجه وجود یک دوگانگی در شاملو دانست؛ دوگانگی قبل و بعد که خواننده آن را در شعر شاملو رفته‌رفته می‌یابد. هنر شاملو در پیوند عناصر شعری و روایت، امری است مثال‌زدنی؛ شاملو به علاوه بر آن که به عناصر شعری معتقد است، به همان میزان و چه بسا بیشتر از آن به روایت موضوع می‌اندیشد؛ برای شاملو مهم است که روایت را چگونه به خواننده منتقل کند و همین امر گاهی سبب دیرپا شدن شعر او می‌شود. اما با تکیه بر رویکرد نشانه-معناشناسی مایکل ریفاتر زمینه دریافت و یافتن لایه‌های معنایی پنهان در شعر مهیا می‌شود و همین امر طلوع بعد از تاریکی در شعر شاملو قلمداد می‌شود و هدف هنرمند نیز همین روشنایی است. روشنایی گاهی در قالب تصویر نمود می‌یابد و گاهی در قالب‌های دیگر مانند شعر، نقاشی، مجسمه‌سازی، آهنگ و

امروزه بررسی شعر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصداق‌های آگاهی‌بخشی بشری در بستر زیبایی‌شناختی و معنایی حائز اهمیت است و در این پژوهش نیز کوشیده شده تا هر دوی این مقوله مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات، از نوع روش «کتابخانه‌ای»، روش تحلیل داده‌ها از نوع روش «کیفی»، روش استدلالی از نوع روش «استدلال استقرایی» (از جزء به کل) است. این پژوهش بر آن است به تحلیل و نقد شعر «جاده، آن سوی پل» احمد شاملو از مجموعه «آیدا در آینه» بر پایه الگوی نشانه‌شناسی بینامتنی و نشانه-معناشناسی مایکل ریفاتر بپردازد.

^۱ Richard Montague

تحلیل نشانه‌شناختی شعر سپید، سبب شناخت بهتر شعرهای این جریان شعری می‌شود و اشعار پس از بررسی عناصر متن، در قالب انباشت و منظومه‌های توصیفی بیان می‌شود؛ دریافت هیپوگرام‌ها و دریافت و کشف ماتریس ساختاری شعر به این تحلیل نشانه‌شناختی بسیار کمک می‌کند و سبب زیبایی‌شناختی معنایی در آثار می‌شود.

در پیشینه این پژوهش، در وهله نخست، باید به کتاب مایکل ریفاتر (۱۹۷۸) با عنوان نشانه‌شناسی شعر Semiotics of Poetry اشاره کرد. او در این کتاب، با پیشنهادی شگفت‌انگیز معناشناسی را جایگزینی مناسب برای ممسیس^۲ در شعر قلمداد می‌کند. مهوش خواجه‌جوی و فرهاد طهماسبی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی نشانه‌شناختی شعر «مسافر» سپهری بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا، الگوی ریفاتر و یاکوبسن» به دنبال کشف نشانه‌های درون متن هستند. نبی‌لو (۱۳۹۲) در مقاله «کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما» پس از مشخص کردن عناصر غیردستوری در متن، ارتباط پنهان و درونی عناصر متن را در قالب انباشت و منظومه‌های توصیفی تبیین کرده است و به دریافت تداعی‌های واژگانی و مفهومی یا موضوعات کلیدی روی آورده است. برکت و افتخاری (۱۳۸۹) در مقاله «کاربست نظریه مایکل ریفاتر بر شعر «ای مرز پر گهر»»، نخست رویکرد ریفاتر را بررسی می‌کنند و سپس به تحلیل شعر فروغ فرخزاد می‌پردازند و معتقدند که این رویکرد سبب خوانش فعال در شعر فارسی می‌شود. سمیه کشاورز و مهوش قویمی (۱۳۹۶) در پژوهشی بانام «کاربست نظریه ریفاتر در خوانش بینامتنی «همه‌شان را بکشید سلیم بشی و منطلق الطیر عطار»»، به دنبال یافتن معنای پنهان رمان و تقابل‌های دوگانه قالبی مدنظر ریفاتر هستند. محمدی کردیانی و نقوی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی شعر کفش‌هایم کو سهراب سپهری از منظر نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر» به بررسی و نقد این شعر براساس نظریه ریفاتر پرداخته‌اند و با بررسی هیپوگرام‌های موجود در شعر به ماتریس‌های نهایی دست یافته‌اند، که قابل توجه است.

مقاله‌ای نیز توسط فریده داودی مقدم (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل نشانه- معناشناختی شعر «آرش کمانگیر» و «عقاب» تحول کارکرد تقابلی زبان به فرایند تنشی» انجام شده که در آن به فرآیند تولید معنا اشاره شده است. سعید ابهریان (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل مجموعه آینه‌ای برای صداها براساس نظریه نشانه‌شناسی شعر مایکل ریفاتر» تبیین می‌کند که نظریه نشانه‌شناسی شعر مایکل ریفاتر، با تکیه بر ساختارگرایی، توانش ادبی خواننده و واکنش او نسبت به متن می‌کوشد تا شیوه‌ای نظام‌مند از خوانش متن ارائه دهد. فروزنده خیری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در غزل فارسی» به بررسی و تبیین غزل فارسی براساس نظریه نشانه‌شناسی ریفاتر می‌پردازد و بر آن است تا با تکیه و تأکید بر غزل حافظ، لایه‌های معنایی پنهان متن را براساس رویکرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر واکاوی نماید. کتاب‌هایی مانند «مبانی نشانه‌شناسی» نوشته دانیل چندلر (۱۳۸۷)، یا نشانه در آستانه نوشته نجومیان (۱۳۹۴) هم‌چنین کتاب «نشانه معناشناسی روایی مکتب پاریس»، نوشته علی عباسی (۱۳۹۵) و دیگر آثار، به صورت غیرمستقیم به الگوی نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر پرداخته‌اند. ناگفته نماند که رضایی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی نامه‌های نیما یوشیج» تا حدودی به بررسی معنا از طریق عناصر معنا ساز تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تکیه بر این عناصر گفتمان را توجیه کرد، استحکام معنایی آن را بالا برد و از این راه باور مخاطب را در پذیرش معنای جدید افزایش داد؛ که این کار را به طور کاملاً دسته‌بندی شده در این پژوهش با تکیه بر رویکرد ریفاتر نشان داده‌ایم.

بر این اساس، در حوزه تحلیل نشانه‌شناسی و نشانه-معناشناسی و زیباشناسی معنایی شعر سپید، به‌ویژه در شعر سپید احمد شاملو بر پایه الگوی نشانه‌شناختی مایکل ریفاتر، تاکنون پژوهشی درخور، صورت نگرفته و این خلاء پژوهشی، نویسندگان را به این پژوهش واداشت. وجه‌تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، شناساندن هیپوگرام و ماتریس‌هایی جدید در کنار معرفی واژگان نو به‌جای ماتریس و هیپوگرام و چگونگی برخورد با متن از منظری دیگر با یک نگاه جدید است.

نتیجه‌گیری

منظومه‌های توصیفی، هیپوگرام‌ها و شبکه‌های ساختاری، برخی از زوایای پنهان شعر را برای خواننده آشکار می‌کند و همین امر به خواننده کمک می‌کند تا دلالت‌هایی که در ورای معنای ظاهری نهفته است درک کند. برای یافتن معنایی فراتر از معنای ظاهری، یکی از مهم‌ترین بخش‌های موجود در هر شعر، عناصر غیردستوری موجود در شعر می‌باشد؛ که در این پژوهش نیز ما ابتدا عناصر غیردستوری را برای حل معنا جدا کرده و سپس با تکیه بر این عناصر به شناخت معنای ثانوی و نهفته در شعر پرداختیم و نشان دادیم که می‌توان سه منظومه اصلی برای این شعر در نظر گرفت که عبارت‌اند از: «شاعر»، «ده» و «بی‌حرکتی و ایستایی جامعه»؛ که هر یک از این سه منظومه ذکر شده باتوجه به عناصر توصیفی موجود سبب روشن شدن معنا می‌شود.

انباشت اصلی شعر با محوریت معنابین «مرا دیگر انگیزه سفر نیست» شکل می‌گیرد و سایر اجزای این مجموعه به دنبال این هستند تا این معنابین را توضیح دهند. در هر سه منظومه، ما نوعی بی‌حرکتی و سکون را شاهد هستیم که این امر سبب شده تا شاعر برای رهایی تمامی راه‌های موجود را بررسی کند و پس از تلاش فراوان به این نتیجه می‌رسد که نمی‌توان از این ورطه رهایی یافت؛ پس انسان را به بازگشت به معبد خویش فرا می‌خواند. می‌توان هیپوگرام‌های موردنظر این‌گونه بیان کرد که شاعر در جامعه گرفتار شده است؛ شاعر برای رهایی از این جامعه همه جوانب را می‌سنجد؛ شاعر در میانه راه احساس می‌کند تمامی اشیا و اطرافش را بی‌حرکتی و سکون فرا گرفته است؛ این بی‌حرکتی و سکون حتی شاعر را فرا گرفته و برای رهایی از این سکون راهی نیست؛ در نهایت شاعر چاره‌ای برای رهایی از این سکون پیدا نمی‌کند و او را به معبد تنهایی خودش فرا می‌خواند.

می‌توان گفت عناصر به‌کار رفته در این پژوهش، سبب پیدایش سه منظومه اصلی در این پژوهش شده است؛ اما در کنار هر یک از این سه مجموعه بخش‌هایی وجود دارد که آن‌ها را توصیف می‌کند؛ در مجموعه نخست شش ترکیب، در مجموعه دوم ده ترکیب و در مجموعه سوم ۹ ترکیب به‌ترتیب هسته را تشریح می‌کنند و همین امر، راهی درست برای رسیدن به درک عمیق و دریافت پیام و رمزگان نهفته در شعر ایجاد کرده است. تشکیل معنا پس از بررسی همه موارد موجود در متن می‌تواند هدفی بالاتر از تولید را دنبال کند و آن هم زیبایی آفرینی است که سبب زیبایی شناختی معنایی می‌شود که در این اثر ما به دنبال نشان دادن این زیبایی نیز بوده‌ایم و نشان دادیم که تا چه حد تولید معنا می‌تواند در تولید زیبایی موفق عمل کند.

فهرست منابع و مآخذ

آلن، گراهام. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه: پیام یزدانجو، چاپ دوم، تهران: مرکز.

آلگونه جونقانی، مسعود. (۱۳۹۶). «کاربست الگوی نشانه‌شناختی ریفاتر در خوانش شعر». پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۷۵، ۵۸-۳۳.

ایگلتن، تری. (۱۳۸۶). پیش درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز.

ابهریان، سعید؛ پارسا، احمد؛ رجبی، عرفان. (۱۳۹۲). «تحلیل مجموعه آینه‌ای برای صداها براساس نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.

برکت، بهزاد؛ افتخاری، طیبه. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی شعر: کاربرد نظریه مایکل ریفاتر بر شعر «ای مرز پرگهر» فروغ فرخزاد». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۰-۱۰۹.

تادیه، ژان ایو. (۱۳۷۸). نقد ادبی در قرن بیستم. ترجمه مهشید نونهالی، تهران: نیلوفر.

چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. چاپ دوم، تهران: سوره مهر.

خیری، فروزنده؛ دادجوی توکلی، دره. (۱۳۹۵). «بررسی نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در غزل فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۱). «تحلیل نشانه-معناشناختی شعر «آرش کمانگیر» و «عقاب» تحول کارکرد تقابلی زبان به فرایند تنشی». فصلنامه جستارهای ادبی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۲۴-۱۰۵.

رضایی، رؤیا؛ مشهدی، محمدمیر، شعیری، حمیدرضا؛ نیک‌بخت، عباس. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل کارکرد یادگفتمانی نامه‌های نیما یوشیج»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸۲، ۱۵۴-۱۳۳.

سلدن، رامان. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی». فصلنامه نقد ادبی، ش ۸، ۵۱-۳۳.

صفوی، کوروش. (۱۳۹۱). نوشته‌های پراکنده (دفتر دوم) نشانه‌شناسی و مطالعات ادبی. تهران: علمی.

طهماسبی، فرهاد؛ خواجوی، مهوش. (۱۳۹۶). «بررسی نشانه‌شناختی شعر مسافر سپهری بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی ساختارگرای الگوی ریفاتر و یاکوبسن». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۴، شماره ۲، ۲۴۲-۲۱۵.

قاسم‌زاده، سیدعلی؛ فخرو، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). «خوانش هرمنوتیکی-بینامتنی بیتی از دیوان حافظ بر مبنای نظریه بینامتنی مایکل ریفاتر». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۲، ۱۱۸-۸۹.

کشاوری، سمیه؛ قویمی، مهوش. (۱۳۹۶). «کاربست نظریه مایکل ریفاتر در خوانش بینامتنی همه‌شان را بکشید سلیم بکشی و منطق الطیر عطار». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۵، ۴، ۴۷-۲۵.

گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی، چ ۳، تهران: آگاه.

مظفری، علیرضا. (۱۳۸۷). وصل خورشید (شرح شصت غزل از حافظ شیرازی). تبریز: آیدین.

مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۵). دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. چاپ دوم، تهران: نشر آگاه.

محمدی کردیانی، محسن؛ نقوی، الهه. (۱۳۹۷). «بررسی شعر کفش‌هایم کو سهراب سپهری از منظر نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر». پنجمین همایش متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به سبک‌شناسی، بلاغت، نقد ادبی. تهران. هسته مطالعات ادبی و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

محمودزاده، یونس؛ مظفری، علیرضا و نزهت، بهمن. (۱۳۹۸). «تفسیر غزلی از بیدل براساس نظریه ریفاتر». فنون ادبی، شماره ۲، پیاپی ۲۷، ۳۶-۱۹.

نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۲). «کاربست نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۱، شماره ۲، ۹۴-۸۱.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت. تهران: سخن.

وفایی، ترانه. (۱۳۸۸). راهی به نشانه-معناشناسی سیال، تهران: علمی و فرهنگی.

Culler, J. (۱۹۸۱). *the pursuit of signs: semiotics, literature, and deconstruction*, London and New York: Routledge.

Prud Homme, Johanne Et Guilbert, Nelson (۲۰۰۶). *Le Langage Poetique. Signo. Consulte Riffaterre, M. (۱۹۷۹). LA PRODUCTION DU TEXTE. Paris: Seuil.*

Riffaterre, M. (۱۹۸۳). *Text Production*. ۱st. ed. New York: Colombia University Press.

Riffaterre, M. (۱۹۹۶). *Describing Poetic Structure: Two Approaches to Baudelairs "Les Chats"*. Yale French Studies, Vol. ۳۶. Iss. ۱, pp. ۲۶-۳۹.

Riffaterre, M. (۱۹۷۸). *Semiotics of Poetry*. ۱st. ed. Bloomington: Indiana University Press